

جناب آقای احمد شهید

نیک می دانم که مورد من تنها یک نمونه ی کوچک از مصادیق نقض حقوق بشر در ایران است، با این وصف تصمیم گرفته ام که با بیان آنچه بر من گذشت سهمی داشته باشم بر افشای وضعیت اسفناکی که مردم کشور مرا گرفتار خود کرده است. وقتی به سبب نگارش عقاید در یک وبلاگ ساده و خروج از کشور برای تحصیلات، چه اتهامات سنگینی توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بر من وارد می آید، چگونه خانواده و زندگی من تحت تاثیر آن قرار گرفته و آنگاه مجبور به جلاى وطن می شوم، به این می اندیشم که رژیم چگونه به سادگی با بهانه جویی، اعتراف گیری و اتهامات دروغین و واهی می تواند تمام مردم ایران را قربانی دستگاه سرکوب خود سازد. با توجه به این که شما مشغول تهیه گزارشی از وضعیت حقوق بشر در ایران هستید در حالی که رژیم از ورود شما به ایران ممانعت به عمل آورده است، تصور می کنم که ارائه ی حقایق توسط کسانی همچون من که قربانی نقض حقوق بشر بوده و مجبور به ترک کشور شده اند تنها دریچه ای است که می تواند نوری بر واقعیت جامعه ی ایران بگشاید و بر این گزارش بازتاب یابد.

دامنه ی نقض پایه ای ترین حقوق مردم ایران از آنچه در اخبار ایران و جهان منتشر می شود بسیار فراتر می رود. پلیس سیاسی رژیم حاکم بر ایران هر روز در حال بازجویی، تهدید و ارباب فعالین سیاسی و اجتماعی است و بسیاری از ایشان تا زمانی که در داخل ایران هستند از انتشار این اخبار منع می شوند و حتی پس از اینکه از کشور می گریزند، سایه ی این تهدیدات همچنان بر خانواده ی ایشان در ایران باقی خواهد ماند. برخلاف آنچه جمهوری اسلامی وانمود می کند نقض حقوق بشر تنها بخشی از ادبیات مخالفین آن نیست بلکه واقعیتی است انکارناپذیر که هرکسی در هر گوشه ای از ایران به هر طریقی طعم آنرا چشیده است .

یکی از ترندهایی که جمهوری اسلامی از این سرزمین ، زندانی بزرگ ساخته است ، ممنوع الخروج کردن فعالین داخل کشور و در سوی دیگر، بازداشت ، بازجویی و آزار متوالی دانشجویان، گزارشگران و فعالین حقوق بشر در خارج از کشور هنگام ورود به ایران است. من نیز به عنوان یک دانشجوی خارج از کشور در هنگام بازگشت به ایران برای دیدار خانواده ام قربانی همین سیاست سرکوب شدم و در این میان تنها دو راه داشتم، یا در ایران بمانم و با ممنوع الخروج شدن به واقع از حق تحصیل محروم شوم و یا اینکه برای همیشه ایران را ترک کرده و حق دیدار خانواده و دیارم را از دست بدهم . آیا از ایران می توان جز به عنوان زندان و از مردم من به عنوان گروگان سخن گفت؟

از نگاه جمهوری اسلامی زن یعنی مجرم، دانشجو یعنی مظنون و وبلاگ نویس یعنی جاسوس و من به عنوان یک زن، دانشجو، وبلاگ نویس و یک معترض از میان خیل میلیون ها انسان دردمند، از شما می خواهم که با استفاده از این فرصت، نگاه جهان را متوجه وضعیت شکنجه آوری کنید که اکنون بر مردم ایران مستولی است.

بهار علینیا